

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۷/۱۲/۱۹

صفحات: ۷۳-۹۸

## جماعت خدمت و فهم گولنیستی از اسلام در ترکیه نوین؛ ماهیت، روندها و چشم‌انداز

دکتر مسعود مطلبی

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

### چکیده

از دهه ۱۹۶۰ به بعد، جنبشی اسلام‌گرا در ترکیه تحت عناوینی همچون جماعت خدمت، جریان نورچی و جماعت گولن رشد کرده که از جهات گوناگون به ارائه الگویی نوین از اسلام اجتماعی مبتنی بر منظومه فکری و اندیشه‌ای فتح‌الله گولن معترض مذهبی مقیم آمریکا پرداخته است. این جنبش نه تنها در ترکیه، بلکه در سطح منطقه نیز جریانی تاثیرگذار محسوب می‌شود و طی سال‌های گذشته، رشدی فزاینده در مناطقی همچون آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان، آفریقا و حتی آمریکا داشته است. یافته‌های نوشتار توصیفی - تحلیلی حاضر که با بهره‌گیری از رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی به رشته تحریر درآمده است نشان می‌دهد که جماعت خدمت از یک‌سو محصول شرایط تاریخی ترکیه و واکنشی به سیاست‌های سکولاریستی دولت‌ها و از سوی دیگر، تلاشی مستمر به منظور سازگاری اسلام با مدرنیته بوده است. این جماعت با بهره‌گیری از اخلاق اسلامی مبتنی بر آموزه‌های تصوف، تقدیس کار جمعی، مبارزه با فقر و تلاش برای آشتی سنت و مدرنیته با وام‌گیری از سنت لیبرالیسم و اخلاق پروتستانی، نوعی از اسلام را عرضه نموده که از الگوی اسلام اجتماعی در برابر اسلام سیاسی دفاع می‌کند. اگرچه فعالیت‌ها و اقدام‌های این جنبش تحت‌الشعاع حوادث پس از کودتای نافرجام جولای ۲۰۱۶ قرار گرفته و دولت اردوغان مبارزه‌ای گسترده را برای حذف این جنبش آغاز نموده، اما به نظر نمی‌رسد جنبشی که ریشه‌ای عمیقی در سنت اسلامی و فرهنگ بومی دارد و توانایی خود را در تطبیق با شرایط موجود و روزآمد کردن اندیشه‌های اسلامی نشان داده، به این زودی محو و یا به حاشیه رانده شود.

**واژگان کلیدی:** جنبش‌های اسلامی، جماعت خدمت، الگوی اسلام اجتماعی، حزب اعتدال و

توسعه، سکولاریسم، مدرنیته.

## مقدمه

امروز واژه «جماعت» در زبان ترکی مترادف جنبش گولن شده است. اگرچه جماعت گولن یک فرآیند چند دهه‌ای بود، اما ظهور سیاسی و اجتماعی آن در اواخر دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، وقتی فتح الله گولن<sup>۱</sup>، بنیانگذار جنبش گولن، در تصاویری با تانسو چیلر نخست وزیر وقت ترکیه دیده شد. جماعت خدمت گرچه ممکن است به لحاظ ماهیتی در ظاهر جنبشی غیرسیاسی و کم اهمیت به نظر بیاید اما از جهت نوع جهت گیری آن پیامدهای سیاسی مهم و پراهمیت و شایان توجه را در پی دارد. توجهی گذرا به جنبش‌های اسلامی حاضر در جهان اسلام و خصوصاً منطقه پراهمیت خاورمیانه نشان می‌دهد که غالب جنبش‌های اسلامی موجود جنبش‌های بنیادگرا و دارای ضدیت با مدرنیته هستند. این جنبش‌ها عمدتاً سیاسی‌اند و هدف آن‌ها فتح دستگاه دولتی و پس از آن حاکم کردن تفسیری ضدتجدد از اسلام بر جامعه است. اما در این میان جماعت خدمت به عنوان جنبش آموزشی فتح‌الله گولن وضعیتی متفاوت دارد. فی الواقع این جنبش اسلام‌گرا یکی از جالبترین نمونه‌های تفکر اسلام‌گرایی لیبرال در خاورمیانه است. گولن و پیروان وی کوشیده‌اند تا جنبشی سیاسی - مذهبی به طرفداری از مدرنیسم، ناسیونالیسم ترکی، تساهل و دموکراسی بدون قربانی کردن احکام مذهبی بر پا کنند، و امروزه ساختار و فلسفه این جنبش و رهبری آن در بسیاری از گروه‌ها و نهادهای آموزشی تجلی یافته است. سیاست و مواضع داخلی و بین‌المللی ترک‌ها در سه دهه‌ی اخیر از این رهبر فکری و معنوی و جنبش فراگیر او متأثر بوده است. از دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی تا کودتای نافرجام جولای ۲۰۱۶ تمامی نخست وزیران و رؤسای جمهور ترکیه هر یک به نحوی درصدد برقراری ارتباط حسنه با «فتح اله گولن» و جنبش او، «گولنیسم» برآمده‌اند یا اینکه با توجه به نفوذ معنوی و اجتماعی آن، در راه فعالیت‌های دینی و آموزشی این جریان مانع تراشی ننموده‌اند. این نفوذ معنوی و اجتماعی، در تحولات مختلف کشور ترکیه، مولفه‌های سیاسی خود را بروز می‌دهد. البته تعدادی از نخبگان سکولار ترکیه جنبش گولن را تحولی مترقی می‌دانند، اما عده‌ای دیگر وی را تهدیدی پنهان ارزیابی می‌کنند. به نظر می‌رسد که مطالعه این جنبش و جماعت اسلام‌گرا و بررسی ماهیت، روندها و چشم انداز آن در درک تحولات معاصر ترکیه نوین مفید باشد.

---

۱. Gulen Fethullah

## ادبیات و چارچوب نظری

در تبیین و تحلیل مسائل ترکیه و چگونگی روی‌آوری جنبش‌های اسلامی به کنش دموکراتیک، می‌توان با بهره‌گیری از آراء جامعه‌شناس سیاسی برجسته فرانسوی موریس دوورژه (۲۰۱۴-۱۹۱۷) درخصوص مبارزه در رژیم و مبارزه با رژیم، چارچوب نظری مناسبی تدارک دید. موریس دوورژه، مبارزات سیاسی را به دو نوع مبارزه در رژیم و مبارزه با رژیم تقسیم کرده است (دوورژه، ۱۳۵۴: ص ۲۳۴). هدف‌های مبارزه در رژیم، به الزام، انقلابی نیستند (دوورژه، ۱۳۵۴: ۲۳۵). تمایز میان مبارزه در رژیم و مبارزه با رژیم به مفهوم حقانیت بستگی دارد، اگر کلیه شهروندان رژیمی را حقانی بشمارند و اگر این رژیم موضوع یک توافق عمومی واقع شده باشد پیکار در چهارچوب اصول و ساختار رژیم باقی می‌ماند ولی اگر این توافق از بین برود و تنها برخی از طبقات و برخی از گروه‌ها و احزاب رژیم موجود را حقانی بشناسند و طبقات، گروه‌ها و احزاب دیگر به حقانیت دیگری پایینند باشند پیکار با رژیم به جریان می‌افتد. حاکمیت هر یک از این دو حالت مبارزه انتخاباتی نیست و ناشی از اوضاع است (دوورژه، ۱۳۵۴: ص ۲۳۸). هر مسلک، نوعی از حقانیت را تعریف می‌کند: حقانیت پادشاهی، حقانیت دموکراتیک و حقانیت کمونیستی (دوورژه، ۱۳۵۴: ص ۲۳۹)؛ در این راستا دموکراسی، در جایگاه نظامی ارزشی، الگوهایی خاص از کنش‌های سیاسی را برای کنش‌گران باورمند به خود به همراه می‌آورد؛ بنابراین، پذیرش قواعد بازی در دموکراسی‌ها برآمده از جامعه‌پذیری شهروندان در چارچوب این نظام ارزشی است. در خاورمیانه کشورهای کمی را می‌توان برشمرد که عموم، نظام ارزشی دموکراسی را برای حکومت‌کنندگان از یک سو و حکومت‌شوندگان از سوی دیگر پذیرفته باشند؛ در این میان، ترکیه از معدود کشورهای خاورمیانه است که به این اشتراک باور (مسلک) در میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان، نزدیک شده است (امیدپور و خرمشاد، ۱۳۹۵: ص ۵۴).

جامعه ترکیه، برخلاف بسیاری از جوامع اسلامی، فاقد کشش و ظرفیت لازم برای ایجاد و رشد جنبش‌های بسیج‌گونه مذهبی است. ضعف اندیشه‌های مذهبی تندرو و تولید و خلاقیت فکری مسلمانان همراه با عدم اقتدار اقتصادی و اجتماعی آن‌ها سبب شده است، اسلام‌گرایی [انقلابی] روند رشد خود را چندان شتابان طی نکند (نامور حقیقی، ۱۳۷۲: ص ۶۴). در خصوص رشدونمو اندیشه‌های رادیکال نیز باید به این نکته اشاره کرد که از اساس در ترکیه این اندیشه‌ها فاقد زمینه‌های پذیرش است. الگویی که ترکیه از اسلام ارائه می‌دهد، مبتنی بر قرائتی خاص از اسلام است که برخلاف قرائت‌های رادیکال، جهان غرب را دشمن جهان اسلام تلقی نمی‌کند و

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

در تلاش است با خلق وجوهی مشترک میان اسلام و غرب، همزیستی مسالمت‌آمیز میان این دو را تضمین کند. رشد هویت اسلامی در قالب اسلام مدرن در ترکیه، چنان چشمگیر است که امروزه، بحث از مدرنیته ترکی بدون ارجاع به اسلام، امکانپذیر نیست و این دو در سازواری با هم برای پیشرفت ترکیه تعامل می‌کنند (Keyman, ۲۰۰۷: ۲۱۷)؛ به عبارت دیگر، ترکیه در چند دهه اخیر، درصدد جمع میان سنت و تجدد است و در این راستاست که دو قطبی نگرستن به جهان و قراردادن شرق در برابر غرب را دو آلیسمی باطل می‌داند. تحولات موجود در ترکیه، برپایه مبانی‌ای فکری است که در درون کشور ترکیه ساخته و پرورده شده است. با مرور تاریخ فکری ترکیه، این موضوع به کمال و به وضوح دیده می‌شود. انسان مسلمان در ترکیه، دراصل، تندروی در راستای حرکت‌های مذهبی را بر نمی‌تابد لذا با فقدان زمینه لازم برای شکل‌گیری اندیشه‌های رادیکال مذهبی، به طریق اولی، جنبش‌های رادیکال در جهت دست‌یازیدن به قدرت سیاسی نیز شکل نگرفته است. آنچه در ترکیه با عنوان اسلام عمل‌گرا یا پراگماتیستی، مطرح شده‌است، راهبرد (استراتژی) مبارزه در رژیم و در قالب دموکراسی است (امیدپور و خرمشاد، ۱۳۹۵: ص ۶۴).

با این حال جنبش‌های اسلامی در ترکیه نوین یک دست نبوده و دارای اهداف و خواسته‌های یکسانی نمی‌باشند. اسلام‌گرایی در این کشور چهار رویکرد متفاوت دارد:

۱. رویکردی که معتقد است باید با قبضه کردن نهاد دولت و نظام سیاسی در جهت اسلامی کردن کشور گام برداشت. جریان وابسته به نجم‌الدین اربکان بر این باور بود که برای اسلامی کردن ترکیه لاجرم باید دولت را در دست گرفت (پروژه اسلامی کردن از بالا). طرفداران این رویکرد با مشی محافظه کارانه رادیکال، طیف سنتی اسلام‌گرایان سیاسی و از پیروان نجم‌الدین اربکان‌اند<sup>۱</sup> که روش‌های درون نظام سیاسی را پذیرفته‌اند، از لحاظ ایدئولوژیک زمینه حرکت خود را امت می‌دانند و نسبت به تحولات جهان اسلام و رابطه مسلمانان با غرب حساس‌اند. احزاب نظم ملی<sup>۲</sup>، سلامت ملی<sup>۳</sup>، حزب رفاه<sup>۴</sup>، حزب فضیلت<sup>۵</sup> و حزب سعادت<sup>۶</sup> در این زمره

---

۱. Necmettin Erbakan

۲. National Order Party

۳. Milli Selamet Partisi

۴. Refah Party

۵. Fazilet Party

۶. The Felicity Party (Turkish: Saadet Partisi)

هستند. حزب نظم ملی در سال ۱۹۷۰ توسط اربکان تأسیس شد؛ البته این حزب که بر نظم اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اصول اسلام تأکید می‌کرد، بعد از کودتای ۱۹۷۱ در ترکیه به دلیل فعالیت‌های ضد سکولاریستی برچیده شد و به دنبال آن، بنیانگذاران حزب نظم ملی به تأسیس جنبش نگرش ملی اقدام کردند که هدف رهبران آن، احیای ارزش‌ها و نهادهای اسلامی بود (۱۹۹-۱۸۷: Atakan, ۲۰۰۵). آن‌ها تلاش نخبگان کمالیست برای تقلید از الگوهای غربی را اشتباهی تاریخی و منبع همه بیماری‌های جامعه ترکیه تلقی می‌کردند (Dagi, ۲۰۰۵: ۲۱-۳۷).

حزب سلامت ملی نیز که در اکتبر ۱۹۷۲ به جای حزب نظم ملی تأسیس شد، راه‌حل مشکلات موجود در ترکیه را بازگشت به آموزه‌های اسلامی معرفی کرد (Landau, ۱۹۷۶: ۱-۵۷)؛ این حزب، ائتلافی از خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی و محافظه‌کاری بود و به همین دلیل از همان ابتدا در میان گروه‌های متفاوت درون این حزب اختلاف نظرهای زیادی درباره آینده سیاسی حزب وجود داشت (۱۸۷-۱۹۹: Atakan, ۲۰۰۵). این فرآیند تداوم داشت تا اینکه بعد از کودتای نظامی ترکیه در سال ۱۹۸۰، حزب سلامت ملی از فعالیت منع شد اما در سال ۱۹۸۳ گروه‌های اسلامی بار دیگر توانستند مجوز فعالیت حزبی جدید را با نام حزب رفاه از دولت دریافت کنند. با ظهور حزب رفاه خیزشی دوباره در میان گروه‌های اسلام‌گرای ترکیه به وجود آمد؛ این حزب ابتدا در سال ۱۹۹۴ توانست با کسب ۱۹ درصد آراء در ۲۸ استان در انتخابات شهرداری‌ها برنده شود و سپس در سال ۱۹۹۵، در انتخابات پارلمانی با به دست آوردن ۲۱/۶ درصد آراء توانست با حزب راه راست حکومتی ائتلافی تشکیل دهد. (kamrava, ۱۹۹۸: ۲۷۵-۳۷۱). اما به نظر می‌رسید که رویکرد اسلام‌گرایی حزب رفاه، ظرفیتی بالا برای حل مشکلات داخلی ترکیه نداشت، زیرا اربکان، به عنوان رهبر حزب رفاه، نتوانست تعادلی میان مبارزات ساختارشکنانه خویش ضد گفتمان کمالیسم و نیاز برای ملاحظه منافع نهادهای سکولار ترکیه به وجود آورد از این رو، سیاست‌های اعمال‌شده از سوی این حزب که قرار بود تنش‌های اجتماعی در ترکیه را کاهش دهد، بیشتر به نزاع گفتمانی جامعه ترکیه در امتداد شکاف‌های سکولار/اسلامی انجامید؛ از سوی دیگر، اربکان با پذیرش اتحاد گمرکی با اتحادیه اروپا و همچنین با تداوم روابط سیاسی و اقتصادی با اسرائیل، گروه‌های اسلامی را از خود آزرده‌خاطر ساخت و نیز با تأکید بر مسئله حجاب و گسترش فعالیت مساجد، نهادهای سکولار را نسبت به خود بدگمان کرد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۵۴).

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

این سیاست‌ها همراه با پیشینه ضدسکولاریستی اربکان، موجب وحشت نهادهای کمالیستی، به ویژه نظامیان و سران دادگاه قانون اساسی ترکیه شد؛ به همین دلیل در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ شورای امنیت ملی ترکیه (که در آن زمان به طور عمده، تحت کنترل نظامیان بود)، فهرستی از اقدام‌هایی که از نظر آن‌ها مغایر با گفتمان کمالیستی بود، ارائه کرد و از اربکان خواسته شد که از گسترش این فعالیت‌ها جلوگیری کند؛ هنگامی که اربکان از اجرای این پیشنهادها شانه خالی کرد، نهادهای کمالیستی در مقابل گروه‌های اسلام‌گرا بسیج شدند و او را مجبور کردند، استعفا دهد؛ بدین ترتیب، حزب رفاه، منحل شد و اربکان و نزدیکان او به مدت پنج سال از انجام هرگونه فعالیت سیاسی منع شدند (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۵۴). گروه‌های اسلام‌گرا، پس از انحلال حزب رفاه به اتهام فعالیت‌های ضدسکولاریستی توسط دادگاه قانون اساسی ترکیه، به تأسیس حزب فضیلت به رهبری رجایی کوتان، یکی از اعضای برجسته حزب رفاه، اقدام کردند. اعضای حزب فضیلت با تأکید بر عناصری مانند دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های فردی به انتقاد از منع حجاب در ترکیه پرداختند؛ به عبارت دیگر، حمایت از آزادی حجاب نه از زاویه‌ای دینی بلکه به سبب تخلف از حقوق بشر و آزادی‌های فردی محکوم می‌شد؛ همچنین، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به این دلیل مورد پشتیبانی گروه‌های اسلام‌گرای حزب فضیلت قرار می‌گرفت که این امر می‌توانست باعث تسهیل انجام خواسته‌های اسلام‌گرایان در جامعه ترکیه شود، نیازهایی که همواره از سوی گفتمان رسمی ترکیه مورد نقض قرار می‌گرفت (Yavuz, 2003: pp56-64)؛ در نتیجه، حزب فضیلت به مفصل‌بندی گفتمانی جدید اقدام کرد که عناصری مانند حاکمیت قانون، دموکراسی و حقوق بشر را درون خود جای داده بود و این مسیر جدید، نتیجه درس‌هایی بود که آن‌ها از فرآیند ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ یاد گرفته بودند؛ به همین سبب، گفتمانی جدید به منظور نقد ویژگی‌های ضد دموکراتیک رژیم سیاسی ترکیه استفاده شد که هدف اصلی آن از یکسو، گسترش جامعه مدنی کثرت‌گرا و از سوی دیگر، گسترش فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرا، درون جامعه ترکیه بود؛ در نتیجه می‌توان استنباط کرد که اسلام‌گرایان بعد از کودتای ۱۹۹۷ از تلاش برای هژمونیک کردن گفتمان اسلامی در نظام سیاسی کشور ترکیه دست کشید، با راهکارهایی متفاوت به دنبال بهبود فضای سیاسی این کشور به منظور آزاد کردن نیروهای سیاسی اسلام‌گرا برای انجام فعالیت‌های سیاسی بودند (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۵۵).

در مجموع این رویکرد به رغم پذیرش روش‌های دموکراتیک برای دسترسی به قدرت و نیز

جماعت خدمت و فهم گولنیستی از اسلام در ترکیه نوین ۵

حل مشکل جامعه ترکیه، اغلب نسخه‌های رادیکال پیچیده‌اند و در برابر تأثیرات مدرنیته در نسل‌های مختلف ترکیه به دفاع جدی از روش‌های بومی و دینی پرداخته‌اند، با این حال مخالف دریافت علم و تکنولوژی از غرب نیستند ولی ارزش‌های فرهنگی آن را رد می‌کنند (اکبری، ۱۳۸۸: ص ۱۶۹).

۲. حزب عدالت و توسعه خود را نه حزبی اسلام‌گرا بلکه حزبی محافظه‌کار و دموکراتیک تعریف می‌کند. رجب طیب اردوغان در این باره معتقد است که «بخشی بزرگ از جامعه ترکیه، خواستار مفهومی از مدرنیته هستند که سنت‌ها را رد نمی‌کند، به اعتقادهای محلی احترام می‌گذارد، به زندگی معنوی انسان‌ها ارج می‌نهد و مسیر پیشرفت و توسعه جوامع را فقط معادل با الگوی آمریکایی معرفی نمی‌کند» (Erdogan, 2004: p6). اسلام‌گرایان فعلی عدالت و توسعه، این حزب را در اوت ۲۰۰۱ از لایه مدرن حزب منحل شده رفا، تأسیس کردند. از نظر اردوغان تشکیل حزب عدالت و توسعه، پاسخی به این خواست مردم ترکیه بود (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۵۹). این حزب به دنبال تعریف ایدئولوژیک خود نیست بلکه می‌گوید صرفاً «خدمتگزار» هست. دولت خدمتگزار در اینجا به معنای صرف‌نظر کردن از تأکید بر جنبه‌های ایدئولوژیک و روی آوردن به یک نوع عمل‌گرایی است.

سران حزب عدالت و توسعه به لحاظ تربیت و آموزش، فعالیت سیاسی و گذشته حزبی، اسلام‌گرا هستند، اما از زمانی که اندیشه تأسیس حزب عدالت و توسعه شکل گرفت، مؤسسان حزب برای برون رفت از فشارهای عظیمی که به جنبش‌های اسلامی در ترکیه وارد می‌آمد به دنبال رویکرد جدیدی بودند که از ریشه اسلامی آنان جدا نباشد و در عین حال با نظام حاکم برخورد نکند و بهانه‌ای درست نکند که مرحله ۲۸ فوریه بار دیگر تکرار شود و اسلام‌گرایان بار دیگر تحت فشار قرار گیرند. بر این اساس نخستین کنگره حزب عدالت و توسعه با شعر "کار برای تمام ترکیه" تشکیل شد و اردوغان رهبر حزب یاد شده در سخنرانی افتتاحیه موازنه‌ای دقیق به عمل آورد، نه از آتاتورک یاد کرد و نه نامی از اسلام به زبان آورد. وی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و موافقتنامه اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأکید نمود و اظهار داشت که سکولاریسم اصل اساسی صلح اجتماعی و به معنی بی‌طرفی دولت در قبال عقاید دینی است (نورالدین، ۱۳۸۳: ص ۱۵۰).

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

در نظر نخبگان حزب عدالت و توسعه<sup>۱</sup> در عصر جهانی شدن، بسیاری از ایدئولوژی‌ها و از جمله ایدئولوژی اسلام سیاسی تضعیف شده است. بدین سان فرض می‌شود ارزش‌ها و هنجارهای جهان‌شمول مدرنیته اصلی‌ترین حافظ هویت گروه‌های اسلام‌گرا در برابر تهاجم سکولارها و کمالیست‌هاست. لذا اسلام‌گرایان برای حفظ هویت اسلامی خود ناگزیر از توسل به مدرنیته هستند (قهرمانپور، ۱۳۸۶: ص ۳۶). فی الواقع سران حزب عدالت و توسعه به این آگاهی دست‌یافته‌اند که به منظور ایجاد جبهه‌ای وسیع‌تر در مقابل مراکز کمالیستی و کسب مشروعیت در فضای اجتماعی ترکیه به رویکردی جدید نیاز دارند که بر ارزش‌های مدرنیته، حقوق بشر و حاکمیت قانون تأکید می‌کند (Taniyici, ۲۰۰۳: pp۴۶۳-۴۶۸)؛ در نتیجه حزب عدالت و توسعه به عنوان حزبی محافظه‌کار در حالیکه از اهمیت ارزش‌های دینی و مذهبی در سیاست‌های حزبی خود غفلت نمی‌کند، سعی می‌کند تا این ارزش‌ها را درون ساختارهای گسترده‌تر حوزه‌های عدالت اجتماعی قرار دهد.

براساس چنین تفاسیری است که بسیاری از نویسندگان معتقدند که حزب عدالت و توسعه نیز حزبی معتقد به اصول سکولار است زیرا به نظر می‌رسد که این حزب در برنامه‌های سیاسی خود نسبت به اصول جمهوریت به طور کامل، وفادار است (Atacan, ۲۰۰۵: p۹۴) و در این راستا جوشار<sup>۱</sup> و عظمان<sup>۲</sup> معتقدند که: «حزب عدالت و توسعه، حزبی راست مرکز است که انسان‌های میانه رو، آن را تأسیس کرده‌اند ... سیاست‌های این حزب، تحت تأثیر صدای منبعث از مردم قرار دارد؛ مردمانی که خواست‌هایی ملایم دارند. آن‌ها انسان‌هایی محافظه‌کار هستند که به تعصبات کورکورانه توجهی نمی‌کنند؛ در حقیقت، اعضای این حزب، انسان‌هایی دیندار هستند اما مسلمانانی رادیکال نیستند. آن‌ها هر چند به دولت با بدبینی می‌نگرند و قصد تغییر دادن ساختارهای دولتی را دارند حاضر نیستند به این نهاد صدمه بزنند. آن‌ها خواستار آزادی‌هایی بیشتر هستند اما قصد نابودی نظم موجود را ندارند. آن‌ها به دنبال تقویت احساسات ملی‌گرایانه‌اند اما با هرگونه ناسیونالیسم نژادپرستانه مخالفت می‌کنند ... در نهایت اینکه آن‌ها از دموکراسی تا حدی حمایت می‌کنند که وحدت تجزیه‌ناپذیر دولت را تهدید نکنند» (Metin, ۲۰۰۲: p۷). بنابراین به نظر می‌رسد که حزب عدالت و توسعه اگر چه دارای

---

۱. Adalet ve Kalkınma Party

۱. Cosar

۲. Ozman

### جماعت خدمت و فهم گولنیستی از اسلام در ترکیه نوین ۵

ریشه‌هایی اسلام گرایانه است، در برنامه‌های حزبی و تشکیلاتی خویش، اسلام را منبع هویت خود معرفی نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، این حزب سعی دارد تا با دور شدن از هویتی خاص، هویت‌های چهل تکه موجود در جامعه را بازنمایی کند و چون در این نوع شیوه حکومت‌داری به دموکراسی برای اداره جامعه نیاز دارد، مذهب نیز می‌تواند جایی را درون جامعه پیدا کند (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۶۱). فی الواقع حزب عدالت و توسعه با اذعان به عدم امکان استقرار حکومت اسلامی در آینده قابل پیش‌بینی می‌کوشد با اتکاء به ارزش‌هایی چون دموکراسی، پلورالیسم، حقوق بشر، اتحادیه اروپا و نظایر آن‌ها، کمالیسم را نقد کند و موانع موجود در آن راه، از سر راه مؤمنان بردارد (قاسمی، ۱۳۹۰: ص ۹۰).

۳. پروژه اسلامی‌سازی از طریق انقلاب: رویکردی که معتقد است باید با ایجاد دولتی اسلامی از طریق انقلاب و مبارزات مسلحانه با نیروهای لائیک به اسلامی کردن جامعه پرداخت. اهداف و انگیزه‌های اسلام‌گرایان رادیکال و انقلابی با دو جریان پیش گفته تفاوت اساسی دارد. آنان مبارزه در درون رژیم لائیک را رد می‌کنند و راه‌های دموکراتیک برای دسترسی به قدرت سیاسی را پذیرش مقررات بازی سیاسی رژیم لائیک قلمداد می‌کنند. آنان روش‌های مبارزه محافظه‌کارانه را مشروع نمی‌دانند. به نظر آنان تنها راه نجات ترکیه ایجاد دولت اسلامی است و برای رسیدن به این هدف، مبارزه مسلحانه با نیروهای لائیک طبیعی و حتی الزامی است. دلیل اصلی شکل‌گیری این گروه‌ها، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و عدم موفقیت محافظه‌کارانه رادیکال در پاسخگویی به مطالبات توده‌های مسلمان بوده است (زارع، ۱۳۸۳: ص ۲۹۲). گروه‌های حرکت اسلامی و حزب‌الله طرفدار اتحاد و نجات اسلامی‌اند. در حال حاضر این گروه‌ها در اقلیت‌اند و رهبران آن‌ها کشته یا محبوس شده‌اند (جانسیز، ۱۳۸۵: ۳۶۹-۳۶۸: pp ۱۹۹۳). (Kushner, ۱۹۹۳: pp ۳۶۸-۳۶۹).

۴. پروژه اسلامی کردن از پایین: گروهی دیگر معتقدند که باید در سطح جامعه این پروژه اسلامی‌سازی را پیش برد که نماینده این رویکرد فتح‌الله گولن است.

سه جریان نخست (محافظه‌کاران سنتی، محافظه‌کاران دموکرات و اسلام‌گرایان رادیکال و انقلابی)، که در پی دستیابی به قدرت و نهادهای حاکمیت‌اند تا از آن طریق اهداف و برنامه‌های اسلامی خویش را عملی نمایند، به عنوان جنبش‌های سیاسی اسلامی قلمداد و جماعت خدمت فتح‌الله گولن که نه سودای قدرت سیاسی که سودای اسلامی‌سازی جامعه از پایین را در سر می‌پروراند در زمره جنبش‌های اجتماعی اسلامی یاد می‌شوند. در بیانی دقیق‌تر اسلام‌گرایان

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

اجتماعی به عکس اسلام‌گرایان سیاسی، به قبضه کردن نهاد دولت و نظام سیاسی جهت پیاده کردن احکام اسلام نمی‌اندیشند، بلکه این جنبش تمایل به اسلامی کردن سطح جامعه و اجرای پروژه اسلامی‌سازی جامعه از پایین است. یکی از این جنبش‌ها که هنوز هم ادامه دارد، جنبش جماعت خدمت است. نماد و نماینده جریان اسلام اجتماعی است که در ذیل با بهره‌گیری از رهیافت جامعه تاریخی بدان پرداخته می‌شود. علت انتخاب رهیافت جامعه شناختی تاریخی هم بدین دلیل است که از آنجا که این جنبش، هم پیشینه نظری وسیعی دارد و هم از لحاظ عملی، اقدام‌هایی خیره‌کننده در سطح جهان داشته است، نمی‌توان سیر تکوین این جنبش را بی‌اعتنا به حوادث و رویدادهای تاریخی و بافت فرهنگی جامعه ترکیه بررسی کرد. فی الواقع این رهیافت، به دلیل چهار ویژگی ذیل که مورد تایید بزرگان این حوزه همچون تدا اسکاچ پل نیز می‌باشد انتخاب شده است:

۱. این مطالعات، سؤالاتی را در خصوص ساخت‌ها یا فرآیندهای اجتماعی، که به صورت پدیده‌های عینی و متحقق در زمان و مکان فهم می‌شوند، مطرح می‌کنند؛
۲. این مطالعات، فرآیندهای فرازمان را مورد توجه قرار داده و رشته‌های گذرا و موقت را با هدف دستیابی به نتایج، جدی تلقی می‌کنند؛
۳. این مطالعات عمدتاً ارتباط متقابل میان کنش‌های معنی‌دار و هدفمند و بسترهای ساختی را به منظور معقول سازی پیامدها و نتایج مشهود نیت‌مند و غیر نیت‌مند (کارکردهای آشکار و پنهان) در زندگی‌های فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند؛
۴. این مطالعات، جنبه‌های ویژه و متنوع انواع مشخصی از ساخت‌ها و الگوهای تغییر اجتماعی را برجسته و نمایان می‌سازند (Skocpol, ۱۹۸۴: p۱).

### فتح الله گولن و جماعت خدمت از پیدایش تا گسترش

امروز واژه «جماعت» در زبان ترکی مترادف جنبش گولن شده است. اگرچه جماعت گولن یک فرآیند چند دهه‌ای بود، اما ظهور سیاسی و اجتماعی آن در اواخر دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، وقتی فتح الله گولن، بنیان‌گذار جنبش گولن، در تصاویری با تانسو چیلر نخست‌وزیر وقت ترکیه دیده شد. به لحاظ تاریخی جماعت خدمت یا جنبش هیزمت<sup>۱</sup> و یا جنبش گولن، یک

---

۱. The Gülen Movement; Hizmet (which means 'service') Movement

جنبش مدنی فراملی است که تحت تأثیر اندیشه‌های فتح‌الله گولن، نویسنده و مدرس علوم اخلاقی و الهیات اهل ترکیه ساکن آمریکا شکل گرفته است و در حال حاضر طرفداران نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در ترکیه، آسیای مرکزی و سایر نقاط جهان دارد (اختیاری میاب و هاشمی، ۱۳۹۷: ۱۶۳ ص ۱۶۳). در حقیقت این جنبش، بزرگترین جنبش مردمی در ترکیه است که از تقدم اخلاق بر سیاست دفاع می‌کند و بر نقش آموزش در تربیت نسلی طلایی که متصف به صفات پیامبر (ص) باشد تأکید دارد (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۷۴ و ۵۹۲). حامیان این گروه اکثراً از بین تجار، روزنامه‌نگاران و اساتید و دانشجویان دانشگاه هستند که در چهارچوب یک شبکه وسیع، منعطف و غیررسمی مشغول به فعالیت هستند و از این طریق در مجامع مختلفی چون مدارس، دانشگاه‌ها، انجمن‌های کارگری، بنیادهای خیریه، گروه‌های فشار، بخش‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، مراکز رادیو و تلویزیون اعمال نفوذ می‌کنند.

گروه فتح‌الله گولن که با نام «جماعت خدمت» شناخته می‌شود ریشه خود را در جنبش نرسی‌ها می‌بیند و البته تأثیر نرسی نیز امروزه همچنان باقی است. سعید نرسی<sup>۱</sup> (۱۸۷۸-۱۹۶۰) اسلام‌شناس سنی مذهب و از کردهای ترکیه بود که رهبری یک جماعت مذهبی موسوم به نرسی‌ها را در دوره عثمانی و جمهوری ترکیه بر عهده داشت. کتاب وی مجموعه «رساله نور» متجاوز از ۶۰۰ صفحه می‌باشد. بیشتر تلاش‌های نرسی جوان در دوره امپراطوری عثمانی، معطوف به حفظ و اصلاح آن بود. در این دوره او دارای گرایش‌های نوگرایانه دینی و مدافع مشروطیت در امپراطوری بود. برخلاف دوره اول و درگیری در سیاست، بعد از تشکیل جمهوری ترکیه نرسی به تامل و تلاش برای تفسیری نوین از اسلام در آثار خود بویژه (تفسیر قرآن به عربی) و رسائل نرسی پرداخت؛ تلاشش عمدتاً معطوف به به سازگار کردن هویت اسلامی و مدرنیته بود (Bilici, 2006: p6).

نرسی تلاش می‌کرد تا از طریق فعالیت آموزشی نسلی ایجاد کند که با حفظ ریشه اسلامی خود در دنیای مدرن نیز مشارکت نماید و از این رو، راه‌جولگیری از زوال مسلمین را در آموزش عنوان می‌کرد. نرسی علاوه بر تشویق مسلمین به علم‌آموزی، آنان را از پیروی از مکتب اثبات‌گرایی<sup>۲</sup> غربی برحذر می‌داشت و معتقد بود مسلمانان باید به فهمی‌بومی از علم برسند

۱. Said Nursi

۲. Positivism

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

تا از طریق علم، قوانین طبیعت و هنر آفریدگار را درک نمایند. از نظر وی، بزرگترین دشمن اسلام، مادی‌گرایی<sup>۱</sup> و خدا ناباوری<sup>۲</sup> بوده و بزرگترین خطر را در کمونیسم می‌دید و به همین خاطر پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۴۰ از حزب دموکراتیک به رهبری عدنان مندرس که نماینده طبقات روستایی و محافظه‌کار بود حمایت کرد و با اعتقاد به ضرورت اتحاد مسلمانان و مسیحیان در مبارزه علیه مادی‌گرایی و کمونیسم از مواضع غرب‌گرایانه این حزب و تمایل به عضویت ترکیه در ناتو و پیمان سنتو و مشارکت ترکیه به همراه ایالات متحده در جنگ کره پشتیبانی نمود (نوازی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۵۵). گولن در مدت آموزش در مدارس دینی با اندیشه‌های نوری آشنا شد و به عنوان یکی از اعضای فعال جماعت پیروان او تا دهه ۸۰ میلادی با این جمعیت همراه بود (Gozaydin, 2009) و پس از آن به ایجاد تشکیلات مستقلی برای خود تصمیم گرفت.

گولن مفاهیم مطرح شده توسط نوری را مبنای آموزه‌های دینی خود قرار داد، به ویژه برای ایجاد یک هویت گروهی. رساله نور در این راه ابزاری بود که گولن و پیروانش را از جوانب منفی تجدد حفظ می‌کرد و میان مسلمانان امروزی و سنت اسلامی ارتباط ایجاد می‌کرد. هنگامی که گولن جماعت را بنیان می‌نهاد برای هر یک از شاگردانش وقت صرف می‌کرد، با آن‌ها به اردوگاه‌ها می‌رفت، تلاش کرد یک پایگاه فکری تأسیس کند و کاری را که می‌خواست انجام دهد از قبل اعلام کرد. با این حال و به رغم تاثیرپذیری گولن از نوری، اما آثار نوری، تنها منبع شکل‌دهنده به اندیشه‌ها و گرایشات فکری فتح‌الله گولن نیستند؛ چنانچه در برخی از مسائل، گولن با نوری اختلاف نظر زیادی وجود دارد. بر خلاف نوری، گولن دارای گرایشات ملی‌گرایانه ترکی است و محدود کردن اسلام را به حوزه شخصی نمی‌پذیرد و معتقد است که اسلام بایستی نقش مهمی در شکل دادن در هویت و اخلاقیات جامعه داشته باشد و با فعالیت عملی خود و نهادها و سرمایه جنش، در پی کاربرد عملی ایده‌های خود است (Yavuz & Esposito, 2003: p20). گولن از جنبه‌ای مترقیانه تفسیر نوری به ویژه در سازگاری اسلام و علم مدرن متأثر است، اما برخی از آراء و گرایشات وی را که در نامه‌های خصوصی نوری مندرج است، نادیده گرفته است. گولن احساسات قوی درباره میراث ملی اش دارد و به ترک بودن خود

---

۱. Materialism

۲. Atheism

افتخار می‌کند. او مدام به ریشه‌های ترک بودنش و تاریخ عثمانی ترکیه و جهان بزرگتر از ترکیه اشاره می‌کند. بنابراین میراث عثمانی - اسلامی، هویت گولن را شکل داده است. اجتماع گولن به خاطر ویژگی‌های ملی گرایانه‌اش جهت‌گیری خاص خود را توسعه دادند و خود را از دیگر گروه‌های اسلامی متمایز کردند، اجتماعی که بر ملی‌گرایی، بازار آزاد و آموزش تأکید می‌کند ملی‌گرایی گولن شمول‌گرا است و بر خون و نژاد مبتنی نیست بلکه بر تجارب تاریخی مشترک و واقعیت‌های سیاسی تکیه می‌کند. گولن معتقد است اسلام دین ملت است و نباید آن را به داشتن هویت یک حزب تقلیل داد. از نظر گولن، اسلام یک پروژه سیاسی نیست که باید اجرا شود، بلکه گنجینه دانش و کردار باید توسعه یک جامعه عادل و اخلاقی است. گولن از هرگونه مواجهه و رویارویی با دولت اجتناب می‌کند (قهرمانپور، ۱۳۹۰: ص ۱۰۵). همچنین برخلاف گرایش‌های امت‌محورانه نوری، گولن بیشتر به مسئله ملیت ترکی و تعهد به دولت ترکیه و محوریت آن در جهان اسلام تأکید دارد؛ این گرایش‌های ناسیونالیستی گولن در مساله کردها نیز، خودش را نشان می‌دهد، مثلاً در هنگام چاپ آثار نوری از سوی انتشارات نزدیک به جنبش، اصطلاحات کرد، کردها، کردستان با شرق و ایالات جنوب شرقی جایگزین شده‌اند؛ حتی در مصاحبه با روزنامه طرف در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱، مطالبی عنوان کرد که نشان از بدبینی او به کردها و به ویژه کردهای علوی دارد (Seufert, 2014: p13).

از دیگر افراد تأثیرگذار بر فتح الله گولن، می‌توان به مولانا جلال‌الدین رومی، شاعر پرآوازه ایرانی و یونس امره<sup>۱</sup>، شاعر ترک تبار و صوفی مسلکی که تأثیر زیادی بر ادبیات ترکیه گذاشته است، اشاره کرد. گولن تحت تأثیر این دو شاعر صوفی مسلک، قرائت خود را «قرائتی مدرن از صوفی‌گرایی تساهل طلب آناتولی» معرفی می‌کند (Roditi, 1985: 27) و در اهمیت تأثیر آموزه‌های صوفی‌گرایانه می‌نویسد «در حین تعلیم علوم مذهبی، کتب گوناگون صوفیانه را مطالعه می‌کردم. برای من تأثیر علوم مذهبی و صوفی‌گرایی به یک اندازه بوده است (Gulen, 2000: 14). از نظر وی صوفی‌گری راهی برای تکامل دائمی روح یک انسان است و همان طور که غم اصلی مولانا در جدا افتادن انسان از خداوند بود، گولن نیز خواهان سهیم شدن انسان‌ها در غم یکدیگر بوده و در این زمینه می‌گوید: «من در جستجوی یک قلب رنج دیده هستم. در جستجوی دوستی که پیوند عمیقی با خداوند داشته باشد و در مقابل او فروتن باشد با

---

۱. Yunus Emre

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

این حال بایستی اعتراف کنم که در این مسیر تنها هستم» (نوازی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۵۵). از همین روست که وی و پیروانش می‌کوشند تا قرائتی میانه روانه و تساهل جویانه از اسلام ارائه دهند؛ (Krespin-Sharon, ۲۰۰۹) تفسیری از اسلام که آن را دین صلح و برادری و یک دین حقیقی دانسته که انسان‌ها را به عشق و نه نفرت، به مداراجویی و نه داوری درباره دیگران، بخشش و نه بیرحمی، صلح و نه جنگ دعوت می‌کند. البته در کنار تاثیر پذیری از سعید نورسی، مولانا و یونس امره، گولن در میان چهره‌های تاریخی گفتمان اسلامی ترکیه، علاقه خاصی نیز به محمد عکیف همان شاعری که سرود ملی ترکیه را سرود و سلطان محمد فاتح دارد. محمد عکیف به یک اسلام‌گرای مدرن شهرت دارد که متأثر از سید جمال و محمد عبده بود. او گرایش‌های نوگرایانه اسلامی را با شور و شوق فرهنگی و ملی در خود جمع کرده بود (Bilici, ۲۰۰۶: p۱۰). آموزش صوفیانه شیخ محمود لطفی نیز، در دهه ۶۰ تاثیر عمیقی بر تفسیر گولن از اسلام و شخصیت گولن تا به امروز داشته است (Yavuz & Esposito, ۲۰۰۳: p۲۰).

گولن آن بخش از احکام اسلامی را که به طور مستقیم با حکومت و کشورداری مربوط می‌شود، مانند: احکام و قوانین مربوط به مالیات و جنگ و درگیری‌ها، را در بطن واقعیت‌های معاصر می‌نگرد. او از این نگران است که رژیم‌های اقتدارگرا عقاید متفاوت را به شدت تحت کنترل خود درآورند. گولن در عین حال نقش دولت را در حفظ ثبات بسیار مهم می‌داند. اهداف گولن، به طور همزمان، اسلامی کردن ایدئولوژی ناسیونالیستی ترکیه و ترکی کردن اسلام است. وی امیدوار است که ارتباط میان مذهب و دولت بار دیگر مانند دوره‌ی عثمانی که رهبران زندگی خصوصی خود را بر مبنای احکام اسلامی تنظیم می‌کردند، احیا شود. چنین رهیافتی از دید وی باعث تقویت دولت و بدین سان حفاظت از جامعه از طریق بسط و گسترش دادن مشروعیت دولت و تقویت توانایی‌اش برای بسیج توده‌ها خواهد شد. گولن معتقد است که استنباط و تجارب مردم آناتولی از اسلام، متفاوت از استنباط و تجارب دیگران به ویژه عرب‌هاست. او از اسلام آناتولیایی و مبتنی بر تسامح و تساهل و عاری از محدودیت‌های سخت‌گیرانه می‌نویسد و به طور مرتب بر لزوم آزادی عبادت و اندیشه در ترکیه تأکید می‌ورزد. وی دو پیشنهاد مهم برای تأمین صلح و آرامش در جامعه دارد: تسامح و تساهل و گفتگو. از دید او، اگر بتوانیم همدیگر را با سعه صدر تحمل کنیم، در کشور اعتماد، صلح و آرامش حاکم خواهد شد. همچنین هیچکس نباید دیگری را به سبب پیروی از مذهبی خاص لعن و نفرین کند و یا

جماعت خدمت و فهم گولنیستی از اسلام در ترکیه نوین ۵

شخصی را به سبب الحاد، تحقیر و سرزنش کند (ارس و کاه، ۱۳۸۱: صص ۸۱-۵۹).

در مجموع سه اصل برابری، عدالت و مشورت را می‌توان، اصول و ارزش‌های محوری نظریه اسلامی گولن برشمرد. اما گولن بر این باور است که هر یک از این اصول و ارزش‌ها باید مطابق با شرایط زندگی مسلمانان در کشورهای مختلف و متناسب با سنت‌ها، اولویت‌های فرهنگی و سایر عوامل دخیل، صورت عینی به خود گیرد. گولن اینگونه استدلال می‌کند که جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی جوامع باید در روند توسعه دموکراسی در کل جهان مورد توجه قرار گیرد. از این رو گولن بر این باور است که بی‌توجهی به این نکته، موجب چالش میان دیدگاه‌های اسلامی با دیدگاه‌های غربی شده است که نتیجه این تقابل، حمله به اسلام و جریان‌های اصلاحی در سطح جهان اسلام شده است. در عین حال گولن به انتقاد از جریان‌های دارای افراط و تفریط در جهان اسلام نیز می‌پردازد و دیدگاه‌هایی که استقرار دموکراسی در کشورهای اسلامی را منوط به طرد هرگونه سنت اسلامی می‌کند و نیز دیدگاه‌های افراط‌گرایانه‌ای که تمام ارزش‌های غربی و دموکراتیک را نفی نموده و تنها در پی اجرای شریعت اسلامی است، را مطابق با واقعیت و منطق نمی‌داند (Ergene, 2008, 1-2).

جماعت در دهه ۲۰۰۰ خود را «جنبش خدمت» نام نهاد. جنبش دارای ساخت سلسله مراتبی بود: «جنبش یک ساختار سلسله مراتبی دارد، مانند هر شرکت بزرگ دیگری. جزئیات این ساختار مشخص نیستند و با تحول جنبش تغییر می‌کردند، اما «امام»‌هایی بودند که مسئول گروه‌هایی از امام‌های دیگر بودند که آن‌ها نیز هر یک مسئول یک کشور بود. امام‌هایی که مسئولیت شهرهای ترکیه را به عهده داشتند، به امام مسئول ترکیه گزارش می‌دادند. هر شهر براساس بزرگی آن به مناطقی تقسیم می‌شد و هر منطقه نیز محله‌هایی داشت و هر یک از آن‌ها را یک شخص اداره می‌کرد. مادون امام‌های محلات، امام‌هایی نیز مسئول خانه‌ها و اقامتگاه‌های هر محله بودند. همه به صورت هفتگی با مافوق خود دیدار می‌کردند و دربارهٔ تحولات و تغییرات پیروانشان، اشتراک محله‌ها و روزنامه‌هایشان، کمک‌های مالی جمع‌آوری شده، پروژه‌های از قبل تعیین شده مانند جمع‌آوری پوست حیوانات در روزهای عید قربان، یا دربارهٔ یک مؤسسه یا مدرسه گزارش می‌دادند و رایزنی می‌کردند. در این دیدارها دستورات و توصیه‌ها به صورتی سلسله مراتبی و به واسطهٔ انتقال از بالاترین امام‌ها به پایین‌ترین امام‌ها، به همهٔ جماعت می‌رسید. از همین جا بود که نگرش‌های مشترک دربارهٔ سیاست و مسائل کشور به سطوح پایین‌تر رسوخ می‌کرد و به شاگردان در خانه‌ها و خوابگاه‌ها می‌رسید. آن‌ها در همهٔ

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —  
مدارس نیز سازمان‌دهی شده بودند.» (Watmough & Erdi Öztürk, ۲۰۱۸: pp ۳۳-۵۲).

الگوی رفتاری جماعت خدمت یا جنبش گول ندر انباشت سرمایه از طریق آموزه‌های دینی با مدل بازار آزاد شکل گرفته است. افراد منسوب به حرکت گولن با تصویر آرمانی مطلوب و قابل قبول برای مخاطبین خود، به خصوص در حوزه آموزشی میل آن‌ها را برای به مشارکت گذاشتن سرمایه‌شان جهت رسیدن به آرمان طراحی شده سوق می‌دهند. در وهله اول برای کمک به محصلین کم درآمد از مؤمنین درخواست می‌شود که پوست قربانی (به خصوص در عید قربان) را به مراکزی که صادقانه برای توسعه آموزشی فعالند در اختیارشان قرار دهند و از این راه اقداماتی برای رفاه محصلین صورت می‌گیرد و آن همت را به الگوی رفتاری - اعتقادی مردم شهرهای مختلف ترکیه تبدیل کردند، البته کمک‌های مادی و معنوی فارغ التحصیلان مدارس گولن نیز در تداوم جنبش بسیار مفید واقع شده است.» (فلاح، ۱۳۹۵: ص ۱۶۳)

در نظر مایا آراکون دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه سلیمان شاه استانبول اصطلاح‌هایی که توسط اعضای جماعت به کار می‌رفتند روزه‌هایی به ساختار این جنبش می‌گشایند:

۱. رسالهٔ نور<sup>۱</sup>: این اصطلاح به کتاب‌های سعید نورسی، بنیانگذار جنبش نور، اشاره دارد. این کتاب‌ها حتی بیش از کتاب‌های گولن اهمیت دارند، به ویژه به این خاطر که گولن ایده‌های خود را از نورسی گرفته است. پیروان جماعت معتقدند این کتاب‌ها همهٔ حقایق قرآن را روشن ساخته‌اند. علاوه بر این، آن‌ها این کتاب‌ها را بیش از قرآن می‌خوانند، زیرا معتقدند خواندن خود قرآن با خطر تفسیر نادرست آن همراه است. معتقدان راستین جماعت گولن فکر می‌کنند خداوند به سعید نورسی امر کرده است رسالهٔ نور را به نگارش در آورد.

۲. بدیع الزمان<sup>۲</sup>: لقبی است که پیروان جماعت برای ارجاع به سعید نورسی از آن استفاده می‌کنند. از این لقب معنای «عجوبهٔ زمان» استنباط می‌شود.

۳. شاگرد<sup>۳</sup>: این اصطلاحی است که اعضای جماعت گولن برای نامیدن خود از آن استفاده می‌کنند و مراد از آن مرید، پیرو و دانش آموز است. شاگردان زن و مرد بسیار دور از هم زندگی

- 
۱. Risale-i Nur
  ۲. Bediüzzaman
  ۳. Şakird

می‌کنند.

۴. خدمت: این نامی است که به تلاش برای اسلامی کردن جامعه و مردم و حتی خود جماعت داده‌اند. آن دسته از اعضای جماعت که خدمت را درک کرده باشند، زندگی خود را مطابق قوانین دینی به سر خواهند برد.

۵. آقا بی یا برادر بزرگ: شاگردان جوان‌تر از این نام برای ارجاع به مریدان مسن‌تر جماعت به کار می‌برند.

۶. صحبت: این اصطلاح به جلساتی اشاره دارد که پیروان جماعت در آن‌ها بخش‌هایی از کتاب‌های فتح الله گولن یا سعید نورسی را خوانده و درباره آن‌ها بحث می‌کنند. در این جلسات آقا بی‌ها درباره چگونگی به کار بستن اصول مطرح در کتب مذکور در زندگی روزمره بحث می‌کنند و به سؤالاتی که ممکن است شاگردان درباره مذهب بپرسند، پاسخ می‌دهند.

۷. استشاره (مشورت): به جلساتی گفته می‌شود که امام‌های خانه‌ها یا خوابگاه‌ها درباره مسائل مهم مربوط به سازمان برگزار می‌کنند. این جلسات معمولاً روزانه یا هفتگی برگزار می‌شوند و به موضوعاتی مانند مسابقات تلاوت قرآن یا وظایف عبادی می‌پردازند. این امام‌ها همچنین با امام‌های بالاتر از خود رایزنی کرده و درباره مسائل مهمتر با آن‌ها گفتگو می‌کنند. هر کس به صورت پلکانی با مافوق خود دیدار می‌کند، به نحوی که مسائل مطرح شده در پایین‌ترین سطح به سطوح بالاتر منتقل شود تا در نهایت با گولن مورد شور قرار گیرد.

۸. امام کشور / ناحیه / شهرستان / خانه: به شخصی گفته می‌شود که مسئولیت مریدان یک محل خاص را به عهده دارد. وی نیز خود یک مرید است اما مسن‌تر و با تجربه‌تر. این امام‌ها براساس خدمتی که کرده‌اند و توانایی آن‌ها در انجام اوامر آقا بی‌های مافوقشان انتخاب می‌شوند. آن‌ها با ارتقایی که می‌یابند نقش‌های مهمتری بر عهده می‌گیرند.

۹. اصناف: کسبه‌ای که می‌توانند به صورت مالی از جنبش حمایت کنند، اصناف خوانده می‌شوند. برخی از آن‌ها در فعالیت‌های تجاری کوچک فعالیت می‌کنند، اما برخی دیگر صاحبان

۱. Hizmet
۲. Ağabey
۳. Sohbet
۴. İstişare
۵. Imam
۶. Esnaf

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

شرکت‌های بزرگ هستند. آن‌ها همچنین منابع مالی پروژه‌های بزرگ را که توسط روزنامه‌ها، تلویزیون‌ها و نهادهای مالی انجام می‌شوند، تأمین می‌کنند.

۱۰. دوست<sup>۱</sup>: این اصطلاح راجع به کسانی است که از پیروان جنبش گولن نیستند یا از اصول تعیین شده توسط جماعت متابعت نمی‌کنند، اما به جنبش علاقه دارند. آن‌ها با نظرات مشابه خود از جماعت حمایت می‌کنند، مثلاً با این نظر که مدارس خارج از ترکیه برای کشور سودمندند. بیشتر این افراد را خداناباوران و کشیشان مسیحی تشکیل می‌دهند. اغلب این افراد از امور داخلی جماعت گولن اطلاعی ندارند.

۱۱. نورجو: نوری<sup>۲</sup>: پیروان سعید نورسی و رساله نور هستند. بدون تردید جماعت گولن بزرگترین بخش نورجویان است.

۱۲. مثبت<sup>۳</sup>: به کسانی گفته می‌شود که برای جماعت پتانسیل درآمد ایجاد می‌کنند و دارای درجات مختلفی هستند.

۱۳. اهل دنیا<sup>۴</sup>: به کسانی گفته می‌شود که در زندگی خود دین را در کانون قرار نداده‌اند.

۱۴. همت<sup>۵</sup>: کمک‌های مالی که به جماعت می‌شود.

۱۵. خانه‌های نور<sup>۶</sup>: نام مستعار خانه‌های جمعی است.

۱۶. مراقب: به پیروانی گفته می‌شود که زندگی خود را وقف تعقیب مردمی (به ویژه کودکانی) کرده است که می‌توانند با جماعت همکاری کنند. این مراقبان در جلسات مشاوره هفتگی به امام خود گزارش می‌دهند که آیا مردم تحت مسئولیتشان نماز خوانده‌اند، به کدام جلسه بحث رفته‌اند، چه کتاب‌هایی به آن‌ها داده شده و در طی یک هفته چه کارهایی کرده‌اند (آراکون، ۱۳۹۷).

فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی جماعت یا جنبش، سه هدف عمده را دنبال می‌کند که عبارتند از: ۱- گسترش خودآگاهی مسلمانان ۲- بررسی دوباره یا بازبینی رابطه علم و مذهب با انتقاد و رد گفتمان‌های رایجی چون ماتریالیسم و پوزیتیویسم ۳- بازسازی حافظه جمعی با تاکید

- 
۱. Dost
  ۲. Nurcu
  ۳. Müspet
  ۴. Ehl-i Dünya
  ۵. Himmet
  ۶. Işık Evler

جماعت خدمت و فهم گولنیستی از اسلام در ترکیه نوین ۵

روی عنصر مشترک جامعه که اسلام است (Yavuz & Esposito, ۲۰۰۳: p۵۷). جنبش همچنین یادگیری علم و ارزش ها و اصول اسلامی را در راستای هدف مقدس خدمت به جامعه، اساسی می‌داند؛ اما علم بدون ارزش‌های اسلامی از دید آن‌ها، ره به پوزیتیویسم می‌برد و می‌تواند سبب تخریب محیط و جنگ میان انسان‌ها گردد. نسل طلایی مسلمانان از دید جنبش، در پناه انجام هدف مقدس آموزش و خدمت و پذیرش مسئولیت نسبت به جامعه، امکان تحقق خواهد یافت. این جماعت در حال حاضر به جای تلاش برای گسترش معنوی مذهب اسلام، برای بهبود تصویر عمومی اسلام در حوزه‌های غربی تلاش می‌کند (Balci, ۲۰۱۸: ۶۹).

این جماعت در داخل ترکیه در حوزه آموزشی ۳۵۰۰ سالن آموزشی، ۳ هزار و ۸۶۴ آموزشکده و نزدیک به ۶۵ هزار معلم و استاد در اختیار دارد. این شبکه آموزشی درآمد چند میلیاردی دلاری برای جماعت گولن دارد که امکان استقلال بیشتر را برای آن‌ها فراهم می‌سازد. همچنین در ۱۴۰ کشور جهان در قالب مدارس، کلاس‌های تقویتی پیش‌کنکوری و دانشگاه حضور داشته و جایگاه و شهرت بالایی در عرصه‌های علمی کسب کرده‌اند تا جایی که در بیشتر کشورها، مدارس جماعت در کانون توجه محصلین نخبه و فرزندان سران قرار گرفت. (فلاح، ۱۳۹۵: ص ۱۳۵). علاوه بر ترکیه جماعت یا جنبش به بسط فعالیت‌های آموزشی و تجاری در سایر مناطق جهان پرداخته است که می‌توان این نهادها و مدارس را بالغ بر دو هزار، ۶ دانشگاه و... برآورد کرد. جنبش همچنین دارای یک شبکه رسانه‌ای بین‌المللی، روزنامه زمان، کانال ماهواره‌ای جهانی (STV) و یک مجله بین‌المللی است (Kuru, ۲۰۰۷: ۱۴۴). در ایالات متحده آمریکا نیز در شهر هاتسون یک انستیتو تاسیس کرده است که به فعالیت‌هایی چون جهت‌برگزاری سمینار، کنفرانس و کمک به انجام کارهای علمی با دانشگاه هاتسون در مورد مناطق دارای مشکلات فقر، منازعه و... مشغول است؛ همچنین به ترتیب دادن اردوهای چند فرهنگی جهت گسترش تعامل بین فرهنگی در میان دانشجویان دانشگاه هاتسون مبادرت می‌ورزد. در آلمان نیز دارای نهادها و موسسات آموزشی مختلفی در شهرهای متعدد است؛ این نهادها نقش مهمی در ادغام مهاجرین ترک در جامعه آلمان، با حفظ ریشه‌های مذهبی و فرهنگی خود داشته‌اند (Irvine, ۲۰۰۷). جماعت گولن در آلمان و از طریق این نهادهای مختلفش، مدافع جامعه چند فرهنگی که به زعم آن‌ها، عمیقاً ریشه در سنن تاریخی مسلمانان دارد، می‌پردازد. جماعت در آلمان دارای صدها نهاد آموزشی در سراسر کشور است؛ این نهادها هیچگونه کمک مالی از سوی دولت آلمان یا ترکیه دریافت نمی‌کنند؛ دوره‌های مختلف زبان ترکی و آلمانی برای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

مهاجرین ترک، در زمره فعالیت و خدمات این نهادهاست. همچنین برگزاری سمینار، کنفرانس در خصوص گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و راه‌اندازی تورهای مسافرتی به ترکیه جهت آشنایی بیشتر آلمانی‌ها با فرهنگ ترکیه است. دورتموند، مونیخ، برلین و هامبورگ مرکز فعالیت‌های جنبش، در این زمینه‌هاست. این نهادها به مانند نهادهای ترکیه، به شیوه‌ای غیرمتمرکز اداره می‌شوند؛ به طوری که مراکز و موسسات در هر شهری مسئول تصمیم‌گیری و امور مربوط به خود هستند (Geier; Frank; Bittner & Keskinliç, Saadet, ۲۰۱۸).

در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی که از سطح بالای نظام آموزشی برخوردارند سطح نفوذ جماعت خدمت گولن به جمعیت مهاجران ترک تبار محدودتر است (Yükleyen, ۲۰۱۳) اما در کشورهای حوزه آسیای مرکزی چون آذربایجان و قزاقستان به ویژه از دهه ۱۹۹۰ میلادی و بدنبال فروپاشی شوروی به این سو، سطح تأثیرگذاری این جماعت بسیار بیشتر بوده تا حدی که حتی برخی از خانواده‌های غیرمذهبی نیز فرزندان خود را برای ادامه تحصیل به مراکز آموزشی گولن فرستاده‌اند. جنبش گولن تلاش می‌کند تا از پیوند با سایر سازمان‌های اسلامی غیر ترک تبار در اروپا خودداری گردد. شاید یکی از دلایل این تمایز این باشد که بر عکس سایر جنبش‌های اسلامی فعال در اروپا پیروانشان را به مقابله با فرهنگ بیگانه و عدم سازگاری و همزیستی با آنان دعوت می‌نمایند، جنبش گولن هوادارانش را به لزوم ادغام در جوامع غربی و زندگی و فعالیت با اکثریت غیرمسلمان تشویق می‌کند. پشتیبانان مالی جنبش گولن اغلب تاجران ترک تبار ساکن کشورهای اروپای غربی بوده‌اند که مهمترین نقش را در سازماندهی این جنبش و تسهیل برقراری ارتباط اعضا با یکدیگر ایفا نموده‌اند (نوازی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۶۴).

### چشم‌انداز و وضعیت مورد انتظار

۱. بازی پیچیده‌ای در صحنه سیاسی ترکیه در حال شکل‌گیری است. این بازی رقابتی و حذفی برخلاف تصور رایج بین جریان‌های اسلام‌گرا با لائیک‌ها و ارتش نیست بلکه این بار بین یک جریان و روایت اسلام‌گرایی است که رهبران آن‌ها وارد یک رقابت کور و گرفتار کیش شخصیتی شده و تجربیات پر فراز و نشیب اسلام‌گرایی در این کشور نادیده می‌گیرند. فی الواقع حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری اردوغان با تمام توان در پی برچیدن نهادها و مؤسسات

جماعت خدمت و فهم گولنیستی از اسلام در ترکیه نوین ۵

وابسته به جماعت خدمت گولن و امحای ساختار جنبش است. تا جایی که فتح الله گولن برای اولین بار از اصطلاح «استبداد فرعونی» علیه سیاست اردوغان استفاده کرد.

۲. جماعت گولن ضمن اینکه به رفتار حذفی دولت اردوغان پی برده بود از سوی دیگر به این باور رسیده‌اند که روایت حزب عدالت و توسعه با چالش معنایی روبروست و فقط امتیاز این حزب شخصیت با نفوذ اردوغان می‌باشد که آن هم با انحرافات اقتدارگرایی مواجه است. جماعت گولن بعد از اعتراضات پارگ گزی سعی می‌کنند طیف میانه رو حزب عدالت و توسعه را برای فاصله گرفتن از بلند پروازی‌های اردوغان، قانع کنند. همچنین در تلاش‌اند با توسل به برخی از پرونده‌های جنجالی علیه حزب حاکم یک موازنه برای کنترل رفتارهای تهاجمی آن‌ها ایجاد کنند.

۳. تنش ایجاد شده بین دو نیروی سیاسی اجتماعی یعنی بین حزب حاکم (عدالت و توسعه) و جماعت خدمت از یک سو به راحتی قابل ترمیم نخواهد بود و وارد مرحله جدیدی از کشمکش قدرت خواهد شد و از سوی دیگر به احتمال قوی مناسبات بین احزاب مخالف حزب حاکم با جماعت گولن متحول و از این فضای بی‌اعتمادی فرصت‌سازی سیاسی خواهد شد.

۴. به نظر می‌رسد این جنبش به واسطه ریشه‌های تاریخی قوی و پایداری که در سنت فکری و فرهنگی اسلامی و بافت تاریخی جامعه ترکیه دارد و نیز بدان دلیل که توانایی‌اش را در انطباق با نیازها و شرایط روز به خوبی نشان داده است، به این راحتی از میان نخواهد رفت هر چند که بخش زیادی از فعالیت تشکیلاتی آن از میان رفته و این روند ادامه دارد. فی الواقع جماعت خدمت گولن بصورت مقطعی آسیب خواهد دید ولی در دراز مدت بار دیگر با قدرت و در قالب حاکمیت احیا خواهد شد. به عبارتی جماعت گولن با تمام امکانات آموزشی، رسانه‌ای و تجاری‌اش، هنوز توان لازم برای شروع یک رقابت پرشدت با حزب حاکم عدالت و توسعه به رهبری اردوغان را ندارد ولی با توجه به اینکه این حزب حاکم در گرو مدیریت کیش شخصیتی اردوغان است و از طرفی عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی راهبردهای آن‌ها را نامطلوب دانسته و به تضعیف آن علاقه‌مندند به همین جهت در چشم‌انداز نه چندان دور کاهش مقبولیت این حزب قابل پیش‌بینی است (اختیاری میاب و هاشمی، ۱۳۹۷: ۲۰۰-۱۹۸).

۵. جماعت گولن به دنبال حل و فصل مسئله کردی ترکیه از طریق مذاکره است. در رویکرد جماعت، ملی‌گرایی قومی مردود و تفسیر هویتی شان فراتر از قومیت است و دین اسلام را عنصر اصلی و محوری هویت ملی ترکیه قلمداد می‌کنند. با این حال تفکر امپراتوری محوری آن‌ها، همبستگی اقوام مختلف در سرزمین اسلامی را اصل می‌داند و با هرگونه تجزیه‌طلبی بر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —  
مبنای قومیت مخالفند. آن‌ها بین سازمان پ.ک.ک با اکثریت مردم کرد فرق قایل می‌شوند و در چارچوب ترکیه واحد، احقاق حقوق فرهنگی کردها را لازم می‌دانند.  
۶ عوامل و عناصر خارجی از جمله رژیم اسراییل از شرایط پیش آمده در راستای انتقام‌گیری از اردوغان و حزب عدالت و توسعه بهره‌برداری خواهد کرد. البته آمریکا و اروپا هم مطلوبیت راهبردی‌شان را در تداوم حاکمیت اردوغان نمی‌بینند به همین جهت دامن زدن به فضای چالشی حاکم از طرف این کشورها قابل پیش‌بینی است و این به نوعی به نفع جماعت خدمت به رهبری فتح الله گولن خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

جنبش جماعت خدمت به رهبری فتح الله گولن در ترکیه ی نوین، امروزه به عنوان یکی از جریان‌های مهم فکری در دو حوزه‌ی «اسلام مدنی یا اجتماعی» در آن کشور و منطقه‌ی خاورمیانه شناخته شده است. بازخوانی بنیادهای فکری و اهداف سیاسی این جنبش از آن رو مهم است که نمی‌توان میزان تأثیر گولن در اعتقادات و نظرات سیاسی مقامات گذشته و حال ترکیه مانند «احمد داوود اغلو»، «عبدالله گُل» و «رجب طیب اردوغان» را انکار کرد. سیاست و مواضع داخلی و بین‌المللی ترک‌ها در سه دهه‌ی اخیر از این رهبر فکری و معنوی و جنبش فراگیر او متأثر بوده است. این جنبش، درصدد بهبود اوضاع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ی ترکیه با استفاده از تفسیر رابطه‌ای توأم با مدارا میان دین و سیاست، اقتصاد ملی و الگوی اسلام لیبرال در عرصه‌های سیاسی و مدیریتی با تأکید بر کار فرهنگی است. طرفداران گولن که خود را به واسطه‌ی او وارث افکار «بدیع الزمان شیخ سعید نورسی» می‌دانند، معتقدند که الگوی سیاسی، فکری آن‌ها پاسخگوی نیازهای عمده‌ی زمانه؛ همچون «وحدت»، «عدالت» و «توسعه» می‌باشد و مسائل و اختلافات مزمینی؛ مانند «موضوع کردی» و همزیستی دوازده استان کردنشین ترکیه با ترک‌ها نیز در قالب تعالیم نورسی و گولن قابل حل می‌باشد. در عرصه‌ی خارجی نیز، وحدت در دنیای اسلام، بخشی از تعالیم این جنبش است. آموزش فرهنگی و سیاسی بخشی از اصول جنبش به شمار می‌آید که هدف آن، تربیت نسل جدیدی است که بتواند با حداکثر استفاده از فرصت‌های موجود و با اتحاد و آگاهی معنوی در مسیر توسعه‌ی کشور گام بردارد.

## فهرست منابع الف) منابع فارسی

- آراکون، مایا (۱۳۹۷)، جنبش گولن: از دوست تا دشمن شماره یک (بخش اول)، ترجمه سرویس ترکیه خبرگزاری کردپرس، قابل دسترسی در:

<http://www.kurdpress.com/details.aspx?id=۱۲۷۰۳>

- اختیاری میاب، مهدی و هاشمی، سیدعباس (۱۳۹۷)، «علل و دلایل شکل گیری، تداوم و گسترش جنبش گولن»، جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۲، بهار و تابستان، صص ۱۶۳-۲۰۳.

- ارس، بولنت و کاه، عمر (۱۳۸۱)، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، ترجمه سیداسدالله اطهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، زمستان، صص ۵۹-۸۱.

- اکبری، نورالدین (۱۳۸۷)، «قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵، پاییز، صص ۱۶۵-۱۹۷.

- امام جمعه زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمودرضا و مرنندی، زهره (۱۳۹۲)، «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۳، پاییز و زمستان، صص ۴۵-۷۲.

- امیدپور، سجاد و خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۵). «کنش دموکراتیک جنبش‌های اسلامی در ترکیه با تأکید بر طریقت‌های عرفانی»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۵۳-۷۶.

- جانسیز، احمد (۱۳۸۵)، دگرش اصلاح‌طلبانه در اسلام‌گرایی ترکیه، پایان‌نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.

- زارع، محمدرضا (۱۳۸۳)، علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.

- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۵)، جریان فتح‌الله گولن در ترکیه، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی هنری صبح حضور امید.

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «سیر تحولات فکری و سیاسی در حزب عدالت ترکیه از آلترناتیو اسلامی تا دموکراسی محافظه کارانه»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۰، فروردین، ص ۹۰.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۶)، «ریشه‌های روشنفکری حزب عدالت و توسعه»، ماهنامه شهروند امروز، شماره ۳۹، ص ۳۶.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۹۰)، «فتح الله گولن و سیر تحولات فکری و سیاسی اسلام‌گرایی در ترکیه»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۱۰، فروردین، ص ۱۰۵.
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۰)، جنبش گولن: پیشینه، اهداف و مواضع، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC) ۲۴ مرداد، قابل دسترسی در <http://peace-ipsc.org/fa>
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، برآورد استراتژیک ترکیه؛ سرزمینی، دفاعی، اقتصادی و اجتماعی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- نامور حقیقی، علیرضا (۱۳۷۲). پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- نوازی، بهرام؛ اعتضادالسلطنه، نوژن و صالحی، معصومه (۱۳۹۳)، «فتح‌الله گولن و جنبش اجتماعی- سیاسی وی در ترکیه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۰، تابستان، صص ۱۵۱-۱۷۳.
- نورالدین، محمد (۱۳۸۳)، «حزب عدالت در قدرت»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۳۷، بهار، صص ۱۴۱-۱۵۴.

### ب) منابع انگلیسی

- Atacan, F. (۲۰۰۵), "Explaining Religious Politics at the Crossroad: AKP-SP", Turkish Studies, ۶(۲), pp ۱۸۷-۱۹۹.
- Balci, Bayram (۲۰۱۸), "Situating the Gülen Movement in France and in Europe", Journal Politics, Religion & Ideology, Volume ۱۹, ۲۶ Mar, pp ۶۹-۸۰.
- Bilici, Mucahit (۲۰۰۰), "The FethullahGülen Movement and Its Politics of Representation in Turkey", The Muslim World, Volume ۹۶, Junury.

- Dagi, I. D. (۲۰۰۵), "Transformation of Islamic Political Identity in Turkey: Rethinking the West and Westernization", *Turkish Studies*, ۶(۱), pp ۲۱-۳۷.
- Erdogan, R. T. (۲۰۰۳), *Konusmalar*, Ankara, AK Parti.
- Ergene, Enes (۲۰۰۸), Basic Characteristics of the Western Science and Thought, ۰۷ August, available at: <https://fgulen.com/en/gulen-movement/on-the-movement/an-analysis-of-the-gulen-movement/۲۶۳۸۳-basic-characteristics-of-the-western-science-and-thought>.
- Geier, Thomas; Frank, Magnus; Bittner, Josepha & Keskinılıç, Saadet (۲۰۱۸), "Pedagogy of Hizmet in Germany – non-Formal Educational Practices and Biographical Views of its Participants", *Journal Ethnography and Education*, ۱۰ May.
- Gozaydin, Istar, B. (۲۰۰۹), *The Fethullah Gulen movement and Politics in Turkey: a Chance for democratization or a Trojan horse?*, London: Routledge.
- Irvine, Jill (۲۰۰۷), *The Gulen Movement and Turkish Integration in Germany*, available at: [fethullahgulenconference.org](http://fethullahgulenconference.org)
- Kamrava, M. (۱۹۹۸), "Pseudo-Democratic Politics and Populist Possibilities: The Rise and Demise of Turkey's Refah Party", *British Journal of Middle Eastern Studies*, ۲۵(۲), pp ۲۷۵-۳۰۱.
- Kuru, Ahmet T. (۲۰۰۷), *Changing Perspectives on Islamism and Secularism: The Gulen Movement and the AkP*. *Gulenconference.org.uk alanından*, London: Leeds Metropolitan University Press, pp ۱۴۰-۵۱.
- Kushner, Harry W. (۱۹۹۳), "Turkish Hezbollah", *Encyclopedia of Terrorism*, Sage Publications Inc. pp: ۳۶۸-۳۶۹.
- Landau, J. (۱۹۷۶), "The National Salvation Party in Turkey", *Asian and African Studies*, ۱۱(۱), pp ۱-۵۷.
- Metin, S. (۲۰۰۲), *Merkes Sag Gelecegini Ariyor*, *Radikal*, ۱۹ October.

— فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

- Roditi, Edouard (۱۹۸۵), "Western and Eastern Themes in the Poetry of Yunus Emre", Journal of Comparative Poetics, No.۵, pp۲۰-۳۷.

- Seufert, Gunter (۲۰۱۴), Is The Gulen Movement Overstretching Itself? German Institute for International and security Affaire, January.

- Sharon-Krespin, Rachel (۲۰۰۹), "Fethullah Giilen's Grand Ambition, Turkey's Islamist Danger", The Middle East Quarterly, Winter, pp ۵۵—۶۶.

- Steinberg, Guido (۲۰۱۳), German Jihad: On the Internationalization of Islamist Terrorism, Columbia Studies in Terrorism and Irregular Warfare.

- Taniyici, S. (۲۰۰۳), "Transformation of Political Islam in Turkey: Islamist Welfare Party s Pro-EU Turn", Party Politics, ۹(۴), pp ۴۶۳-۴۸۳.

- Theda Skocpol (۱۹۸۴), Vision and Method in Historical Sociology, New York and Cambridge: Cambridge University Press.

- Watmough, Simon P. & Erdi Öztürk, Ahmet (۲۰۱۸), "From 'Diaspora by Design' to Transnational Political Exile: The Gülen Movement in Transition", Journal Politics, Religion & Ideology, Volume ۱۹, ۲۶ Mar, pp ۳۳-۵۲.

- Yavuz, M. H. (۲۰۰۳), Islamic Political Identity in Turkey, Oxford: Oxford University Press.

- Yavuz, M.Hakan & Esposito, John L. (۲۰۰۳), Turkish Islam and Secular State, the Gulen Movement, New York, Syracuse University Press.

- Yükleven A., T. F. (۲۰۱۳), "The Gülen Movement in Western Europe and the USA".In R.-W. K. Kortmann M., Islamic Organizations in Europe and the USA .London: Palgrave Macmillan.